

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال هفدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰ Scopus

صص ۱-۳۱

تبیین چالش‌های ژئوپلیتیکی روابط ایران و فرانسه

دکتر سیروس احمدی نوحدانی* - استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
دکتر مصطفی قادری حاجت - استادیار گروه جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
حمیدرضا یوسفی - دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۱

DOR:20.1001.1.17354331.1400.17.63.1.6

چکیده

یکی از مهم‌ترین چالش‌های اثرگذار بر مناسبات کشورها با هم چالش‌های ژئوپلیتیکی است که پیش‌رانه اثرگذاری در شکل‌دهی به تعاملات دو یا چندجانبه قلمداد می‌شود. روابط ایران و فرانسه در سطوح مختلف متأثر از استراتژی‌های ملی و نیز علائق ژئوپلیتیکی دارای تفاوت‌ها و گاه تعارضاتی می‌باشد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نظرات متخصصان با استفاده از روش تاپسیس در پی بررسی چالش‌های روابط ژئوپلیتیکی ایران و فرانسه می‌باشد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد متغیرهایی چون حضور گروه منافقین (مجاهدین خلق) در فرانسه و ایدئولوژی سیاسی متفاوت دو کشور، در سطح ملی، متغیرهایی چون سیاست خارجی تجدیدنظر طلب ایران و عدم تمایل به همگرایی و تعامل در سطوح منطقه‌ای و تحولات ژئوپلیتیکی منطقه جنوب غرب آسیا در سطح منطقه‌ای و متغیرهای مبارزه ایران با تروریسم و افراط‌گرایی و تعلق ژئوپلیتیکی دو کشور به ساختارهای امنیتی متفاوت در سطح جهانی، بیشترین اثرگذاری را دارند.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، چالش ژئوپلیتیکی، قدرت، فرانسه، ایران.

۱. مقدمه

یکی از مباحث مهم در ژئوپلیتیک، عوامل تأثیرگذار بر رفتار کشورها در چارچوب سیاست خارجی آنهاست. اینکه کشورها برای انتخاب نوع برخورد با سایرین چه ملاک‌ها و یا چه منافی را دنبال می‌کنند. بنابراین برای فهم روابط خارجی دو کشور مانند ایران و فرانسه باید ماهیت سیستم‌های منطقه‌ای (Buzan and Waever, 2009:54) و ایده رهبران سیاسی کشورها را بر مبنای ویژگی‌های منطقه‌ای و جهانی تجزیه و تحلیل کرد (Zumrodbakhsh Azad, 2013:26) فرانسه کشوری با پیوندهای دیرینه با منطقه خاورمیانه است و نقش این کشور در خاورمیانه را می‌توان با توجه به رویکردهای ژئوپلیتیکی این کشور مورد ارزیابی قرار داد تا مشخص شود که این کشور در منطقه خاورمیانه و با کشورهای این منطقه از چه رویکردی اعم از تعاملی، تقابلی، نفوذ و... را مدنظر قرار دارد. فرانسه اینک احساس می‌کند که میدان برای آن کشور به منظور نقش آفرینی بیشتر باز شده است و تلاش دارد با توجه به موقعیت به دست آمده به ایده «مجد و عظمت» فرانسه تحقق بخشیده و ایفاگر نقش یک «قدرت بزرگ» در صحنه خاورمیانه باشد (Izadi, 2016:8) و با خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، فرانسه می‌تواند نقش قدرت اول منطقه را برعهده گیرد و بدین منظور لازم است تا فرانسه نقش فعالتری در حل مناقشات جهانی و منطقه‌ای ایفا کند (Ahmadi Nohdani, 2019:259).

روابط ایران و فرانسه علاوه بر فراز و فرود فراوان تاریخی، پس از انقلاب اسلامی دچار موانعی است که دو کشور را در راستای ایجاد روابط مستحکم و پایدار با مشکل رو به رو ساخته است. فرانسویان همواره تلاش داشته‌اند روابط خود با ایران را از بُعد فرهنگی فراتر نبرند و هر جا که ایران از موقعیت حائل بین شرق و غرب (روسیه و بریتانیا در گذشته و آمریکا و شرق در حال حاضر) برخوردار بوده است فرانسویان تلاشی در جهت پیشبرد روابط نداشته‌اند. ایران به اروپا و فرانسه به غرب آسیا نیازمند است. اما سؤال این است که چه چالش‌هایی در روابط ایران و فرانسه و در چه سطوحی وجود دارد که باعث شده تا روابط دو کشور در حد کارکردی باقی مانده و به مرحله ساختاری تکامل نیافته است. فرانسه در قلب اروپا و ایران در غرب آسیا دارای جایگاهی ویژه نسبت به همسایگان و جایگاهی مشابه نسبت به هم دارند. ایران در پروسه تاریخی

در برابر تاخت و تازهای همسایگان از مغولان و روس‌ها تا اعراب و ترکان و غیره قد علم کرده و موجودیت تاریخی خود را حفظ کرده است. فرانسه نیز برای خود عنوان استثنای فرانسوی قائل است.

فرضیه مطرح شده برای سوال تحقیق این است که موانع و چالش‌های ژئوپلیتیکی روابط ایران و فرانسه در سطوح ملی، منطقه‌ای و جهانی قابل طرح است که هر کدام از این سطوح دارای مولفه‌ها و متغیرهای خاص خود می‌باشد. ایران و فرانسه دارای ابعاد مختلف چالش ژئوپلیتیکی بوده و مدام تلاش دارند از طریق نفوذ در فضاهای مورد مناقشه، یکدیگر را در حالت انفعال قرار داده و فرصت‌ها را از یکدیگر برابند. پژوهش حاضر سعی دارد این چالش‌ها را که مانعی در جهت پیشبرد روابط هستند را تنها از منظر ژئوپلیتیک از سال ۱۳۵۷ تا امضای توافقنامه برجام در سال ۱۳۹۴ در سطوح ملی (کشور ایران و کشور فرانسه)، منطقه‌ای (جنوب غرب آسیا) و جهانی مورد بررسی قرار دهد.

۲. روش تحقیق

این پژوهش از نظر روش توصیفی-تحلیلی و از نظر هدف کاربردی است. با توجه به نوع موضوع مورد مطالعه، روش گردآوری اطلاعات به شکل اسنادی (فیش برداری، جدول، استفاده از نقشه) و ترکیبی از منابعی چون کتب، مقالات، مجلات، روزنامه‌ها، سایت‌های اینترنتی، آمار، همچنین نظرسنجی از ۱۰۰ نفر متخصص با استفاده از نمونه گیری هدفمند در حوزه‌های جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک، روابط بین الملل، علوم سیاسی از طریق پرسشنامه با طیف لیکرت در حوزه مطالعاتی مورد نظر است. در این پژوهش، داده‌ها بر اساس آمار توصیفی و آمار استنباطی توصیف و تبیین گردیده‌اند؛ به عبارت دیگر، ابتدا با توجه به اهداف تحقیق و برای بدست آوردن شناختی از جامعه مورد مطالعه به عنوان نمونه به تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از نمونه مبادرت شده و از فنون آمار توصیفی (جداول توزیع فراوانی و آمارهای میانگین) استفاده شده است. سپس جهت مشخص نمودن و اولویت بندی گویه‌ها و متغیرها در سه سطح چالش‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی، از روش تاپسیس و نرم افزار SPSS استفاده شد.

۳. مبانی نظری

۳-۱. کدهای ژئوپلیتیکی

کدهای ژئوپلیتیکی پیش فرض‌های راهبردی هستند که از آنها به عنوان عناصر و درون‌مایه اصلی شکل‌دهنده سیاست خارجی دولت‌ها یاد می‌شود و این همان چیزی است که هنریکسون^۱ (۱۹۸۰) آنها را «اندیشه‌های ذهنی و خیالی» دولت می‌نامد، که در متن ادراکات و ارزیابی‌های دولت‌ها، نسبت به اهمیت راهبردی مکان‌ها در ماورای مرزها و ظرفیت احساس تهدید از محیط بیرونی شکل می‌گیرند (Taylor, 1989: 80) کد ژئوپلیتیکی توجیهی است در پاسخ به این که چه کسانی متحدین فعلی و بالقوه ما هستند؟ چه کسانی دشمنان فعلی و بالقوه ما هستند؟ چگونه می‌توان متحدین خود را حفظ کرده و متحدین بالقوه را پروراند؟ چگونه می‌توان با دشمنان فعلی و با تهدیدهای موجود مقابله کرد؟ چگونه می‌توان موارد فوق را برای ملت و جامعه جهانی توجیه کرد؟ (flin, 2006: 54-55). مسلماً چنین شناختی نقش بسزایی در نوع جهت‌گیری‌ها، ماهیت سیاست خارجی و سرشت نقش‌آفرینی بازیگران در بحران‌های بین‌المللی خواهد داشت. بنابراین می‌توان کد ژئوپلیتیکی را استدلال ماهوی دخالت بازیگران مختلف در بحران دانست (Valigolizadeh, 2016: 91). ژئوپلیتیک در قالب یک مفهوم ترکیبی قابل تبیین است که در آن سه عنصر اصلی یعنی جغرافیا، قدرت و سیاست دارای خصلتی ذاتی می‌باشند. ترکیب سه پارامتر جغرافیا، قدرت و سیاست، الگوهای رفتاری گروه‌های متشکل انسانی را نسبت به یکدیگر تعیین می‌کند که می‌توان آنها را در اشکال رفتاری مختلفی شامل موارد زیر ملاحظه نمود: نوسان قدرت، رقابت، همگرایی، واگرایی، نفوذ، بحران، سلطه، ائتلاف، صلح، همکاری، جنگ، امنیت و ثبات و مبادله و غیر آن (Hafeznia et al, 2007: 85).

۳-۲. رقابت ژئوپلیتیکی

رقابت از نظر ترمینولوژی به معنی تلاش برای پیشی گرفتن از یکدیگر است. رقابت تلاش دو یا چند گروه، ملت و کشور برای نفوذ یا سلطه در منطقه یا جهان یا دسترسی به منابع فضایی (اعم از مادی و معنوی) است. رقابت در جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک بدون مقیاس معنا ندارد و

1. Henrickson

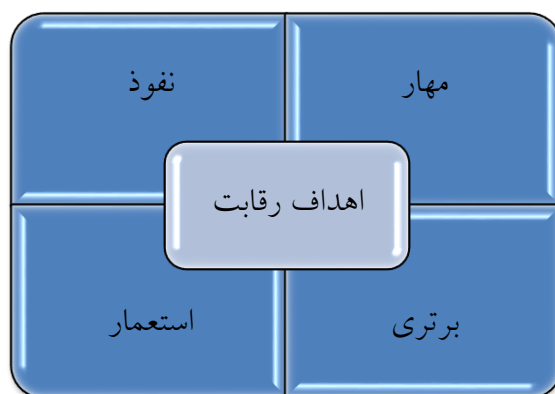
فلسفه قانون رقابت، برتری و دستیابی به فرصت‌هاست. باید توجه داشت که در رقابت، دو یا چند قدرت به‌طور هم‌زمان اقداماتی می‌کنند تا از ارزش‌های جغرافیایی (مادی و معنوی) سهم بیشتری کسب کنند (Ahmadi et al, 2017:60). رقابت در صورت استمرار و کسب احاطه بر ارزش‌های رقیب ممکن است به «چالش ژئوپلیتیکی» تبدیل شود، این چالش شاید مرحله آخر رقابت‌های ژئوپلیتیک باشد؛ به همین دلیل اغلب ویژگی‌ها رقابت ژئوپلیتیک در چالش ژئوپلیتیکی تجمیع می‌شود (Ahmadi et al, 2018:202). در رقابت ژئوپلیتیک نیازمندیم به دو امر توجه کنیم:

۱. شناسایی ارزش‌های جغرافیایی؛

۲. بررسی نگرش، گفتمان و ایده‌های توجه‌کنندگان به ارزش‌های جغرافیایی.

مبارزه بین رقبا و مخالفت‌های ارائه‌شده یک رقیب یا رقبا، رقابت است که در صورت تداوم، بعد راهبردی به خود می‌گیرد. رقابت راهبردی در واقع نوعی حرکت ژئوپلیتیکی با حاصل جمع صفر دامنه‌دار میان دو یا چند رقیب است. در این بعد از رقابت، رقبا سعی دارند یکدیگر را از میان بازی حذف کنند؛ زیرا منابع و فضایی که بر سر آن رقابت می‌کنند، جزء منافع حیاتی کشورهاست. رقابت از منظر ژئوپلیتیک اهدافی دارد که در شکل (۱) نشان داده شده است.

شکل (۱): اهداف رقابت از منظر ژئوپلیتیک



(Source: Ahmadi et al, 2018:203)

همچنین این رابطه بر پایه برابری نسبی قدرت بین بازیگران شکل می‌گیرد و بازیگران بر اساس منافع متعارض با هم رقابت می‌کنند تا حریف و رقیب را از دستیابی به فرصت‌ها باز دارند (Bayat, 2019: 49).

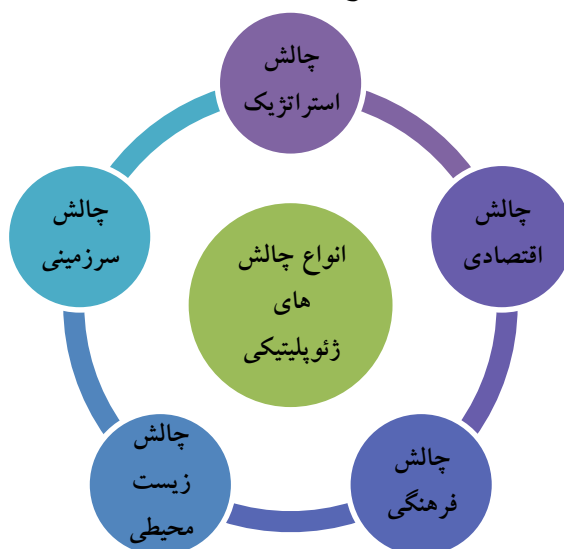
۳-۳. چالش ژئوپلیتیکی^۱

ایجاد وضعیت برای یک دولت یا کشور بر پایه عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیکی، چالش ژئوپلیتیک نامیده می‌شود که طی آن سیاست آن کشور با استفاده از متغیرها و عوامل جغرافیایی تحت تأثیر قرار می‌گیرد. واحدهای سیاسی برای تضعیف قدرت، منافع و مصالح کشور رقیب از عوامل و روش‌های مختلفی بهره می‌گیرند. عناصر و ارزش‌های جغرافیایی اعم از متغیر و ثابت، طبیعی و انسانی، مکانی و فضایی از آن دست روش‌ها و ابزارها هستند و باعث می‌شوند تا بازیگر خواسته‌ها و اراده خود را بر واحدها سیاسی رقیب تحمیل کند. هدف اولیه هر چالش ژئوپلیتیکی، منفعل سازی طرف مقابل برای تغییر رفتار است (Hafeznia, 2017: 122). در قرن بیست و یکم، هنوز هم جهان آکنده از چالش ژئوپلیتیک است و نشانه‌ای نیز از خاتمه قریب‌الوقوع درگیری‌های مسلحانه دیده نمی‌شود. از جمله مهم‌ترین عوامل این مسأله می‌توان به مناقشات مرزی، اختلافات ارضی، رشد افسار گسیخته جمعیت، کمبود منابع طبیعی، خشکسالی و گرسنگی ناشی از آن، مهاجرت‌های دسته جمعی، خصومت‌های مذهبی، تنش‌های نژادی - قومی و قبیله‌ای، شرایط زیست‌محیطی تحمل‌ناپذیر و ... اشاره کرد (Collins, 1998: 285).

مطالعات اخیر درباره چالش ژئوپلیتیک در حوزه جغرافیای سیاسی دربرگیرنده طیف وسیعی از درگیری‌هاست. از کشمکش‌های جهانی، مانند جنگ علیه تروریسم گرفته تا کشمکش‌های محلی بر سر تملک اراضی در یک منطقه یا کشمکش بر سر تصاحب منابع در مقیاس‌های گوناگون محلی، ناحیه‌ای، کشوری، منطقه‌ای و جهانی (Gallaher, 2009: 249) به طور کلی، چالش

ژئوپلیتیک را می‌توان به چالش استراتژیک^۱، چالش اقتصادی^۲، چالش فرهنگی^۳، چالش زیست‌محیطی^۴ و چالش سرزمینی و مرزی تقسیم کرد

شکل (۲): انواع چالش‌های ژئوپلیتیکی



۴. پیشنهاد تحقیق

از گذشته تا کنون پژوهش‌هایی درباره روابط ایران و فرانسه انجام شده است که در اینجا نتایج برخی از پژوهش‌های سال‌های اخیر پیرامون این موضوع ارائه می‌گردد.

-
- 1.Strategic Friction
 - 2.Economic Friction
 - 3.Cultural Friction
 - 4.Environmental Friction

جدول (۱): پیشینه پژوهش

متغیرهای مورد بررسی	موضوع مورد بررسی	محقق/نوع تحقیق/سال
هدف اصلی این پژوهش، شناخت دقیق روابط ایران و فرانسه پس از انقلاب می‌باشد و عواملی که سبب سردی و گرمی روابط میان دو کشور شده است، به روش توصیفی-تحلیلی، تشریح شده است.	روابط سیاسی جمهوری اسلامی ایران و فرانسه (۱۹۸۸-۲۰۰۴)	کمالی، محسن / پایان نامه / ۱۳۸۸
پژوهشگر به دنبال پاسخ این سوال بوده که چرخش در روابط فرانسه با ایران در دوره سارکوزی نسبت به دوره شیراک (کاهش روابط دو کشور) متأثر از چه بوده است؟ همچنین به بررسی عوامل بازنگری سیاست خارجی فرانسه در روابط خود با آمریکا و به تبع آن چرخش در روابط خود با برخی از کشورهای خاورمیانه به ویژه جمهوری اسلامی ایران پرداخته است.	بررسی تطبیقی سیاست خارجی فرانسه در دوران ریاست جمهوری شیراک و سارکوزی در قبال جمهوری اسلامی ایران	کوثری، جواد / پایان نامه / ۱۳۹۰
مقاله حاضر می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که چرا روابط بین دو کشور در این دوره به بدترین وضعیت خود رسیده است.	ایران و فرانسه، در چشم انداز نئورئالیستی	ایزدی، پیروز / مقاله / ۱۳۹۱
در این کتاب در پنج قسمت پیشینه روابط ایران و فرانسه، روابط اقتصادی، روابط دیپلماتیک، سیاست خارجی بررسی شده است.	روابط ایران و فرانسه، انتشارات اقبال	صفری حصار، ولی / کتاب / ۱۳۹۱
در این مقاله پژوهشگر به بررسی دقیق و فرآیندهای سیاست خارجی فرانسه پرداخته و جهت گیری‌های آینده سیاست خارجی فرانسه را ترسیم کرده است.	بررسی روند آینده سیاست خارجی فرانسه در نظام جهانی	جلال زاده، مجتبی / مقاله / ۱۳۹۵

نوآوری این تحقیق را می‌توان با مرور منابع جدول فوق بیان کرد؛ با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، در زمینه چالش‌های ژئوپلیتیکی روابط ایران و فرانسه، تحقیق منسجم و مستقلى در داخل کشور به صورت علمی و آکادمیک انجام نگرفته است و تنها به صورت محدود درباره سیاست خارجی فرانسه بدون نگاه ژئوپلیتیکی کار شده است و از آن جایی که موضوع پژوهش جدید و به روز می‌باشد لازم است تا این پژوهش جهت شفافیت‌سازی روابط دو کشور انجام گیرد. نوآوری پژوهش از آن جهت است که اطلاعات دقیق، روشن و جدیدی را در راستای

روابط ژئوپلیتیکی ایران و فرانسه، شناخت فرصت‌ها و چالش‌های ژئوپلیتیکی روابط دو کشور، در جهت پیشبرد اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌کند و با توجه به اطلاعات و نتایج حاصل شده، مسئولین کشور را در جهت تصمیم‌گیری و اتخاذ سیاست‌گذاری خارجی صحیح و کاربردی در جهت منافع ملی ایران و کاهش آسیب‌ها و هزینه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی یاری می‌کند.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. یافته‌های کتابخانه‌ای

در این بخش یافته‌های کتابخانه‌ای در سه بخش چالش‌های ملی، منطقه‌ای و جهانی تشریح شده است.

۵-۱-۱. چالش‌های روابط ایران و فرانسه در سطح ملی

سطح اول متغیرهای تأثیرگذار بر روابط دو جانبه ایران و فرانسه را باید به سطح کشوری به ویژه منافع ملی، نیازها و امتیازهای ذهنی سیاست‌گذاران دو کشور دانست. در این سطح از تغییر و تحول نیازهای ملی، شرایط محیط داخلی و محیط ذهنی سیاست‌گذاران می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری‌های دو جانبه و نوع تعاملات و چالش‌های روابط دو کشور داشته باشد.

تغییر هویت نظام ایران پس از انقلاب اسلامی و توجه به ایدئولوژی اسلامی در مقابل ایدئولوژی سکولار و لیبرال غربی، شکاف هویتی و مفهومی بزرگی را میان ایران و فرانسه ایجاد نموده و بنیان‌های ایدئولوژیک و هویتی دو طرف را در مقابل یکدیگر قرار داد. ناهمگنی و فقدان صورت‌بندی‌های تحلیلی در گفتمان روابط ایران و فرانسه و وجود جریانات فکری متضاد در روابط دو کشور و ایجاد بدبینی نسبت به هم از بزرگ‌ترین حوزه‌های چالش و شکاف بین ایران و فرانسه بوده و فرانسوی‌ها آن را به عنوان تهدیدی برای اصول، هنجارها و منافع خود تلقی می‌نمایند. تعارض و تضاد مجموعه هنجاری و هویتی فرانسه با هنجارها و هویت جمهوری اسلامی، زمینه‌ساز شکل‌دهی به اجماع اتحادیه اروپایی توسط فرانسه نسبت به ایران شده است (Fazelinia, 2007:29).

نبود شفافیت و صراحت در نوع رویکرد ژئوپلیتیکی ایران با فرانسه را می‌توان در نوع دیدگاه‌های دو کشور و تعدد مراکز تصمیم‌گیری در عرصه سیاست خارجی جستجو کرد. آن دسته از نهادهای اقتصادی، فرهنگی و اجرایی که وظایف خارجی دارند کاملاً در چارچوب تعریف شده روابط خارجی و آن هم اکثراً در ساختارهایی غیردولتی به فعالیت می‌پردازند. اما این در حالی است که در ایران وزارت امور خارجه از ابزارهای لازم سیاسی و قانونی متمرکز و قاطع در رقابت با سایر مراکز متعدد و موازی تصمیم‌گیری محروم است و باعث عدم شکل‌گیری راهبرد مشخص در دستگاه تصمیم‌گیری دو کشور در قبال یکدیگر می‌شود (Dehshiri, 2001: 60-61). ایدئولوژی سیاسی متفاوت دو کشور باعث شده تا چالش‌هایی از قبیل حجاب در سطح ملی به وجود بیاید؛ حجاب در فرانسه، یکی از مواردی است که طی سال‌ها در مواردی باعث واکنش بعضاً تند مسئولان ایرانی و نمایندگان مجلس شده است. طرح موسوم به ممنوعیت حجاب در مدارس فرانسه، به عنوان یک مانع در توسعه بیشتر روابط میان ایران فرانسه محسوب می‌شود. حمایت از جوامع مسلمان در سراسر جهان، یکی از اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود و مسلماً طرح ممنوعیت حجاب در مدارس فرانسه، تأثیری منفی در روابط دو کشور داشت (Azghandi, 2009: 29). روابط اقتصادی، تجاری و بازرگانی ایران و فرانسه و نبود پیوند اقتصادی قوی بین دو کشور نیز از مواردی است که در سطح ملی چالش‌برانگیز است. فرانسه به لحاظ اهمیت ابعاد اقتصادی، صنعتی و بازرگانی همواره جزء کشورهای برتر جهان می‌باشد. رشد اقتصاد و صنعت بویژه پس از پایان جنگ دوم جهانی و نیز جایگاه این کشور به عنوان عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد اهمیت این کشور را در روابط بین‌الملل دو چندان نموده است. اما این روابط اقتصادی تحت تأثیر روابط سیاسی قرار داشته و از عدم ثبات برخوردار است و این ارتباط با مشکلات گوناگون سیاسی و اقتصادی مواجه است. تحریم نفتی ایران به نوعی ابهام و کژتابی در سیاست‌ها و رویکردهای فرانسه محسوب می‌شود. با این که این کشور از عمده واردکنندگان انرژی و نفت ایران بود ولی با سیاست‌های آمریکا همسو شده و نفت ایران را تحریم کرده است. حمایت فرانسه از گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران نیز از دیگر چالش‌ها در سطح ملی می‌باشد. حضور گروه منافقین

(مجاهدین خلق) در فرانسه و وجود گروه‌های فشار داخلی در دو کشور که مخالف روابط دو کشور هستند، باعث شده تا طیف‌های سیاسی مختلف دو کشور نسبت به هم بدبین شده و نتوانند روابط خود را بهبود ببخشند (Darabi, 2009: 51).

۲-۱-۵. چالش‌های روابط ایران و فرانسه در سطح منطقه‌ای

منطقه خاورمیانه و به ویژه منطقه خلیج فارس سطحی از تحلیل رفتارهای دو جانبه ایران و فرانسه را تشکیل می‌دهد که متغیرهای برآمده از آن به شدت در روابط دو جانبه مؤثر بوده‌اند. این منطقه همواره مورد توجه قدرت‌های خارجی بوده است و این امر بر روابط ایران با سایر کشورها از جمله فرانسه تأثیر گذار است. فرانسه بارها از ایران به عنوان کشوری یاد می‌کند که می‌توان برای حفظ ثبات و آرامش منطقه و حل بحران‌های مربوط به منطقه از قدرت آن استفاده کرد. ایران نیز از این امر آگاه بوده و تلاش کرده تا جایگاه خود را در منطقه و سیستم بین‌الملل ارتقاء بخشد. مسلماً سیاست‌گذاران فرانسوی به این امر واقف بودند که در نظام نوین جهانی، کاربرد فیزیکی قدرت به عنوان یک راهکار اولیه قابل قبول نیست و از آن جا که بر اساس نظریه قدرت مورگنتا، نفوذ از اشکال دیگر قدرت است، قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی تلاش می‌کنند نفوذ خود را در منطقه و بین‌الملل افزایش دهند و از مهم‌ترین ابزارهای گسترش نفوذ، توسعه رابطه است. لذا فرانسه کوشش می‌کرد برای استفاده از نفوذ ایران در منطقه از سطح بالایی روابط با ایران استفاده کند. البته این نفوذ در خاورمیانه با علائق ژئوپلیتیکی ایران همخوانی نداشته و چالش‌هایی را ایجاد کرده است (Aqil, 2016: 119). به عنوان مثال هر چند پاریس همواره خود را در ارتباط با مسأله فلسطین یا لبنان در موضع میانجی قرار می‌دهد، و لیکن در پی آن است که روابط خود را با رژیم اسرائیل در سطح مورد نظر، حفظ نماید و در برخی موارد در مقابل موضع لبنان و فلسطین خط مشی دو پهلو اتخاذ می‌کند. به هر حال این مطلب مسلم است که مسائل مربوط به لبنان و فلسطین و حتی سوریه برای پاریس اهمیت زیادی دارد که این مناطق عمق استراتژیکی ایران محسوب می‌شود و تبعاً نگرش‌های متفاوت ایران و فرانسه درباره این مناطق چالش‌هایی را ایجاد کرده است. مهم‌ترین دلیل این امر وجود منابع سرشار انرژی از جمله نفت و گاز در منطقه خاورمیانه است. از آن رو فرانسه همواره تلاش می‌کند سطح بالایی از ارتباطات

و تعاملات را با اعضای این منطقه داشته باشد که تجارت و بازرگانی اقتصادی نقش بزرگی را در این راستا داراست (Seyyednejad, 2009:91).

از این رو پاریس به دنبال افزایش نفوذ و حضور خود در حوزه‌های مختلف بوده و از آن جا که به لحاظ نیاز به انرژی، خاورمیانه اهمیتی استراتژیک برای فرانسه دارد، سیاست گذاران پاریس تلاش نمودند روابط خود را با کشورهای منطقه خاورمیانه از جمله ایران به سطح قابل قبولی برسانند. روابط سیاسی می‌تواند ابزار خوبی جهت رشد روابط در زمینه‌های دیگر چون اقتصادی، تجاری و فرهنگی به شمار آید. از طرفی فرانسه از نگاه اقتصادی به دنبال بهره‌گیری از بازار تجاری در ایران بود و ایران نیز به لحاظ اقتصادی جهت توسعه صنایع نفت و گاز خود به دنبال استفاده از سرمایه‌گذاری طرف‌های اروپایی به ویژه شرکت‌های بزرگ نفتی و گازی بود. در کنار مسائل اقتصادی و تجاری، ایران به پاریس به عنوان مرکز مهم سیاسی اروپا نگاه می‌کرد و برای حضور و نفوذ خود در آن منطقه سعی در توسعه روابط سیاسی تهران پاریس داشت.

مسئله مهم دیگر چالش‌ساز مسأله تحولات جدید و بی‌ثباتی در خاورمیانه است؛ منطقه جنوب غرب آسیا به دلیل اهمیت ژئوپلیتیک ویژه خود طی دوره‌های گذشته همواره کانون توجه دول بیگانه و قدرت‌های استعماری قرار داشته است. امروزه این منطقه به دلیل موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک و وضعیت سیاسی حاکم بر آن عنصر مهم تأثیرگذار بر معادلات بین‌المللی محسوب می‌گردد و همواره صحنه نفوذ و منازعات قدرت‌های بزرگ عرصه بین‌الملل بوده و میزان حضور در این منطقه یکی از عوامل مهم در تعیین میزان قدرت جهانی و موقعیت بین‌المللی قدرت‌های بزرگ در عرصه رقابت جهانی بوده است. حوزه نفوذ و قرار گرفتن در حدفاصل قدرت‌های بزرگ بین‌المللی، منشأ مواد خام ارزان قیمت برای اقتصاد دنیا و کانون انرژی جهان به خصوص نفت و گاز و بازار بزرگ مصرف تولیدات کشورهای صنعتی و توسعه یافته، این منطقه را به کانون توجه قدرت‌های بزرگ سیاسی، اقتصادی جهان تبدیل کرده است. این منطقه در چند سال اخیر بی‌ثباتی شدیدی را تجربه کرده است. با رشد گروه داعش در منطقه جنوب غرب آسیا و ورود آن به دو کشور عراق و سوریه فرصت مناسبی برای ورود بازیگران سیاسی گوناگون به عرصه تحولات این کشورها مهیا شد. این گروه رادیکال با ورود به میدان

سیاست عراق و سوریه، مسیر تحولات را به سمت درگیری‌های مسلحانه و خشونت‌آمیز سوق داد و به یکی از مهم‌ترین چالش‌های ژئوپلیتیکی در منطقه و جهان شد. حمایت‌های مالی، نظامی و آموزشی کشورهای خارجی از آنها، پیوستن نیروهای کارآزموده و مجرب از سراسر جهان به این گروه‌ها، موجب افزایش قدرت آنها و در نتیجه سبب تداوم بحران سوریه و عراق شده است. ویژگی‌های غیرمردمی، چندملیتی و ابزاری بودن این گروه و همچنین به دلیل فقدان پایگاه اجتماعی داخلی، ناگزیر از استمداد کشورهای همسود خارجی برای ایجاد تغییر در نقشه و توازن قدرت منطقه‌ای در خدمت منافع قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از قبیل ترکیه، عربستان، اسرائیل، فرانسه آمریکا شده است تا برای نیل به اهداف ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک گوناگون مثل تضعیف جبهه مقاومت، جلوگیری از نفوذ ایران در منطقه، حفظ امنیت رژیم صهیونیستی و تضمین تداوم جریان انرژی به غرب از سوی این کشورها مورد استفاده ابزاری قرار گیرد. هر چند دیدگاه فرانسه در مورد برخورد با تروریسم با دیدگاه کاخ سفید متفاوت است و اختلاف آمریکا با فرانسه در زمان حمله نظامی به عراق حکایت از تفاوت نگرش‌ها در مسأله مقابله با تروریسم و مخالفت با نحوه اقدامات و رفتارهای یکجانبه گرایانه آمریکا داشته است، اما فرانسه در برابر بی‌ثباتی شدید در منطقه خاورمیانه نگاه منفعلانه‌ای دارد (<https://www.isna.ir/news/96081509207V/>). مؤلفه‌های ژئواکونومیکی مانند منابع نفتی و گاز در منطقه جنوب غرب آسیا و به خصوص دو کشور عراق و سوریه باعث نگاه استعماری فرانسه به خاورمیانه برای جذب منابع در این منطقه شده است و همچنین در طول تاریخ نیز ثابت شده که نیروهای استعمارگر همیشه به دنبال دست اندازی در این کشورها بوده‌اند و همیشه نیروی انسانی این کشورها را از آنها می‌گرفتند و منابع نفتی را در مقابل اجناس و فرهنگ خودشان را به غارت می‌بردند و همچنان که دیده می‌شود کشورهایی مانند فرانسه نیز جذب این منابع شده است و تلاش دارند بر منابع نفتی دو کشور عراق و سوریه تسلط پیدا کرده و دامنه نفوذ خود را در این مناطق گسترش دهد؛ حضور فرانسه در این کشورها، دخالت در حوزه نفوذ ایران محسوب شده و تضاد منافع منطقه‌ای را به وجود آورده است. نگاه به ژئواکونومی در این قرن که لوتواک در نظریه‌اش مطرح کرده دلیلی منطقی است بر نقش حساس و تأثیرگذار نفت و گاز و عوامل

اقتصادی دیگر در ضعف یا قوی بودن کشورهایی که صاحب این منابع گرانها هستند؛ و یکی از مؤلفه‌های حساس دیگر کشورهای خاورمیانه قرار گرفتن بر سر راه ترانزیتی شرق و غرب که از طریق دریای مدیترانه راه مواصلاتی به غرب را آسان کرده است. این دو مقوله بازار مناسبی جهت صادرات کالاهای جهانی در منطقه خاورمیانه بوده و روابط تعاملی فرانسه با رقبای ایران مانند عربستان در این منطقه را شدت بخشیده که چالش‌های ژئوپلیتیکی ایران و فرانسه را سبب شده است (Aqil, 2016: 116).

در خصوص مسأله فلسطین نیز از دیدگاه اعضای اتحادیه اروپایی و به خصوص فرانسه وجود یک کشور مستقل، باثبات و دمکراتیک فلسطینی به پایان بحران خاورمیانه کمک می‌کند. در این راستا اهداف فرانسه از کمک به دولت فلسطین عبارتند از:

- ایجاد یک دولت قانونی دارای نهادهای پیش‌بینی شده در قانون اساسی؛
 - ایجاد یک نظام قضایی کاملاً مستقل و چارچوب حقوقی در سطح ملی و قوانین هماهنگ با یک جامعه آزاد؛
 - ایجاد و برقراری سیاست‌هایی که باعث به وجود آمدن ثبات و مانع رشد گروه‌های تروریستی شود؛
 - فراهم نمودن شرایط لازم برای ایجاد امنیت، رشد و توسعه اقتصادی و مدیریت مالی توسط دولت فلسطین.
- فرانسه بر این اعتقاد است که ایجاد یک دولت فلسطینی با حاکمیتی دمکراتیک، امن و باثبات از طریق مذاکرات بهترین تضمین برای امنیت رژیم صهیونیستی و پذیرش این رژیم به عنوان شریک برابر در منطقه هست. از دیدگاه آنها چنین دولتی فعالیت گروه‌های تروریستی را کاهش خواهد داد، صلح و امنیت را برقرار خواهد کرد و گامی مهمی برای آشتی اعراب و رژیم صهیونیستی و پایان بحران خاورمیانه خواهد بود.

موجودیت نامشروع رژیم صهیونیستی و ماهیت ناعادلانه و نقش غیر مؤثر قدرت‌های بزرگ در بحران خاورمیانه از جمله مهم‌ترین عوامل در چالش سیاسی میان فرانسه و ایران بوده است. در شرایطی که سیاست جمهوری اسلامی ایران در قبال مسأله فلسطین از ابتدای پیروزی انقلاب

اسلامی بر مبنای مخالفت با رژیم صهیونیستی استوار بوده، موضوع برای فرانسه متفاوت است. منافع اقتصادی و ذخایر انرژی منطقه، تهدیداتی نظیر بنیادگرایی یا افراط‌گرایی اسلامی، ترانزیت مواد مخدر، اشاعه تسلیحات هسته‌ای و تروریسم که از مبدأ خاورمیانه متوجه اتحادیه اروپا و کشور فرانسه است از یک طرف و تلاش در جهت ایفای نقش و جایگاه بین‌المللی خود در مقابل یکجانبه‌گرایی آمریکا و به عهده گرفتن مسئولیت‌های بیشتر در خاورمیانه از سوی دیگر، شرایط دشوار و پیچیده‌ای را برای فرانسه در خاورمیانه ایجاد کرده است (Rasoulinejad, 2011: 48).

یکی از مواردی که فرانسه تلاش نموده تا هویت مستقل سیاسی و امنیتی خود را در قالب سیاست خارجی مشترک نشان دهند، روند صلح خاورمیانه بوده است. در این راستا ایفای نقش مؤثر از جانب اتحادیه اروپایی همواره تحت تأثیر حضور و نفوذ ایالات متحده بوده است؛ اما با توجه به نفوذ ایران در منطقه و نبود رابطه بین ایران و ایالات متحده، فرانسه تلاش نموده تا از این فرصت استفاده کرده و با مطرح کردن این موضوع در روابط خود با جمهوری اسلامی از یکسو انتقادهای برآمده از طرف رژیم صهیونیستی را پاسخ دهد و از سوی دیگر در تلاش جهت متقاعد کردن تهران برای همکاری پیرامون روند صلح خاورمیانه، پرستیژ بین‌المللی خود را ارتقا بخشد.

۳-۱-۴. چالش‌های روابط ایران و فرانسه در سطح جهانی

مهم‌ترین موضوع و محور چالش برانگیز در روابط ایران و فرانسه در سطح جهانی، روابط ایران و آمریکا و سیاست‌های قهرآمیز این کشور در قبال ایران است.

فعالیت‌های هسته‌ای ایران یکی از مهم‌ترین چالش‌هایی است که بر روابط جمهوری اسلامی ایران و فرانسه سایه افکنده و علاوه بر مناسبات سیاسی، جنبه‌های دیگر روابط ایران و فرانسه را هم تحت الشعاع قرار داده است. فرانسه که پس از هجوم یکجانبه آمریکا به عراق نفوذ گذشته خود در منطقه خاورمیانه را بیش از پیش از دست داده است در تلاش بود تا با حل دیپلماتیک بحران هسته‌ای ایران افزون بر نگهداری یک شریک باثبات و با نفوذ در منطقه، به اثبات نقش و توانایی خود در مدیریت و حل و فصل صلح آمیز بحران‌های بین‌المللی بپردازد. ارزیابی روابط ایران و فرانسه نشان می‌دهد که اختلافات دو طرف پس از یازدهم سپتامبر شکلی افراطی به خود

گرفت. اتحادیه اروپایی همواره تلاش داشت مواضع معقولی در خصوص برنامه هسته‌ای ایران داشته باشد ولی پس از حادثه یازدهم سپتامبر و چرخش نسبی به سمت واشنگتن، به نظر می‌آید تا حدودی تحت تأثیر سیاست‌های آمریکا قرار داشت (<https://www.borna.news/>).

فرانسه با رد گزینه‌ی توسل به زور، دیپلماسی تحریم شدید ایران را جایگزین کرده و آمریکا را با خود همراه ساخت و با سیاست‌های قهرآمیز ایالات متحده آمریکا در قبال ایران همراهی کرده است. در این راستا، اعمال فشار، مجازات‌های اقتصادی و تحریم‌های فراگیر به صورت یک جانبه و حمایت از صدور قطعنامه‌های ضد ایرانی توسط شورای امنیت در هماهنگی کامل با آمریکا مورد توجه این کشور بوده است. هر چند فرانسه تلاش می‌کند به نوعی نقش میانجی را در مورد موضوع برنامه هسته‌ای ایران، ایفا نماید که در مساله برجام و بعد از خروج آمریکا ازین توافق، فرانسه پیگیر پایبندی ایران و آمریکا به این توافق بود ولی در عین حال که تلاش در حل مسأله به وسیله گفتگوهای دو جانبه و دیپلماتیک داشت قصد داشت روابط نزدیک خود را با متحدان غربی خود حفظ نماید و به دیگر سخن چیزی را از دست ندهد و حتی المقدور منافع خود را حفظ نماید (Zibakalam, 2012:55).

همواره خصوصیات جغرافیایی کشورها به شکلی مستقیم در مسائل اکونومیک آنها مؤثر می‌باشد. یکی از ویژگی‌های فرانسه، قرار گرفتن در کنار و حاشیه اقیانوس اطلس و نیز راه داشتن به دریای مدیترانه و دریای مانس مزیتی بزرگ برای آن بوجود آورده است. حمل و نقل دریایی را می‌توان یکی از اصلی‌ترین عوامل رشد تجاری و بازرگانی به حساب آورد که فرانسه از آن برخوردار است. این کشور حتی در داخل خاک خود نیز یک شبکه حمل و نقل آبی دارد که این مساله ویژگی ممتازی را به این کشور بخشیده است. ویژگی‌های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منحصر به فرد ایران نیز باعث شده تا ایران از جایگاه برجسته ژئوپلیتیک در نظام بین‌الملل کنونی به طور عام و نظام منطقه‌ای از طرف دیگر برخوردار باشد. فرانسه اگر قصد نفوذ در منطقه خاورمیانه را دارد ناچار است با ایران رابطه دوستانه داشته باشد؛ ایران از یک طرف از طریق مرزهای زمینی و آبی با کشورهای منطقه همسایه است، نفوذ تاریخی و فرهنگی در همه کشورهای منطقه دارد و کوتاه‌ترین و ارزان‌ترین مسیر دسترسی این کشورها به جهان بیرون

است: ایران امن‌ترین و مطمئن‌ترین مسیر برای حضور فرانسه در منطقه خاورمیانه است (Barzegar, 2016: 10).

قدرت‌یابی ایران که نشأت گرفته از آمیزه‌ای از قابلیت‌های طبیعی، شرایط مساعد ژئوپلیتیک، و توانایی‌های اکتسابی است، چالش‌هایی را در حوزه خلیج فارس، منطقه خاورمیانه، و در سطح بین‌الملل پدید آورده است. این چالش‌ها مانند سیاست موشکی ایران در درجه نخست متوجه امریکا به عنوان قدرتی است که مدعی هژمونی جهانی است، اما باید دید فرانسه، چگونه به این وضعیت واکنش نشان داده است. فرانسه کشوری است که از یک سو در منطقه خاورمیانه حضور تاریخی داشته و منافع در آن برای خود تعریف کرده است و از سوی دیگر، به عنوان عضو دائم شورای امنیت ملل متحد، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)، گروه هشت، گروه بیست، و اتحادیه اروپا خود را از جمله حافظان وضع موجود می‌داند و در قالب همراهی با امریکا نسبت به مسائلی حساسیت نشان می‌دهد که سبب برهم خوردن وضع موجود شود (Hatami, 2011: 81). از مسائل دیگر فرامرزی بودن سیاست‌های ایران است. بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حمایت از مبارزات حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه جهان، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان جهان و دفاع از حقوق مسلمانان جهان از جمله اصول و چارچوب‌های اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند. این اصول با ایدئولوژی انقلاب اسلامی که دارای جنبه عقیدتی، مذهبی و آرمانی است در آمیخته است. در این راستا باید توجه کرد که سیاست خارجی آرمانی که برای ساختن جهانی بهتر می‌باشد و در فرازهایی از قانون اساسی به آن اشاره شده است، در زمره هدف‌های جهانی درازمدت قرار می‌گیرد. در این خصوص این نکته حائز اهمیت است که با توجه به حاکم و جاری بودن دکترین ام‌القرآ بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، هدف اصلی سیاست خارجی طبق نظر هالستی از نوع هدف‌های درازمدت و جهانی می‌باشند و شامل طرح‌ها، آرمان‌ها، ایدئولوژی و تصورات رهبر و یا کشوری درباره ایجاد یک نظام خاص بین‌المللی هستند. امت محوری و فرامرزی بودن سیاست‌های ایران و دکترین ام‌القرآ و نیز نظرات و هدف‌های اعلام شده و کمک‌های مادی و معنوی جمهوری اسلامی ایران به گروه‌های مبارز در

تمامی دنیا در راستای اصول و مبانی سیاست خارجی ایران قابل تفسیر است. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون این اصل اساسی در سیاست منطقه‌ای و جهانی جمهوری اسلامی ایران باعث ابراز مخالفت‌های بسیاری از سوی کشورهای غربی و به خصوص فرانسه شده است (Yazdan Fam, 2014:20). مسأله چالش‌آفرین دیگر، مسأله حقوق بشر است که روابط را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. فرانسه همگام با آمریکا معتقد به نامساعد بودن وضعیت حقوق بشر در ایران است. البته این کشور بارها اعلام داشته که در چند سال اخیر پیشرفت‌های مهمی در خصوص حقوق بشر در ایران به وقوع پیوسته است که می‌بایست ادامه پیدا کند. فرانسه در مقاطع مختلف، پیشرفت روابط با جمهوری اسلامی ایران را مشروط به بهبود و تقویت دموکراسی و احترام بیشتر به حقوق بشر، ایران را به شریکی باثبات در منطقه تبدیل خواهد کرد. مسائلی همچون آزادی مطبوعات، حاکمیت قانون، رعایت حقوق اقلیت‌ها و لغو مجازات اعدام از مهم‌ترین محورهای گفت و گوی مقامات این کشور با تهران در زمینه حقوق بشر بوده است. این کشور معتقد است گرچه ایران طی سال‌های اخیر، تغییرات مثبتی به وجود آورده، ولی سابقه حقوق بشر این کشور (در زمینه‌هایی چون موقعیت زنان، ادعاهای مربوط به استفاده از شکنجه، تحت تعقیب قرارداد اقلیت‌های خاص، سرکوب آزادی مطبوعات و غیره) هنوز موجب نگرانی است (Mohammadi, 2009:53). این مسائل باعث شده است که ادعای نقض حقوق بشر همواره در روابط سیاسی دوجانبه تأثیر منفی داشته باشد و این مسأله حتی بر دیگر جوانب روابط نیز تأثیرگذار بوده تا آنجا که فرانسه گسترش روابط تجاری با جمهوری اسلامی ایران را به چالش‌های سیاسی از جمله حقوق بشر منوط کرده است.

فرانسه بر اساس ماهیت لیبرالی خود بر احترام به ارزش‌های دموکراتیک، حق تعیین سرنوشت، جامعه باز مدنی و حقوق بشر و در کل ابزارهای نرم سیاست خارجی تأکید می‌کند و برای حقوق بین‌الملل و نهادها و سازمان‌های بین‌المللی اهمیت زیادی قائل است. ابزار این کشور در پیگیری سیاست‌های خود بیشتر تأکید بر دیپلماسی، ترغیب و بهره‌گیری از ابزار اقتصادی است از این رو در مواجهه با مشکلات بردباری بیشتری دارد. هواداران لیبرالیسم با اشاره به همین قدرت نرم اعتقاد دارند فرانسه از توان اقناعی بالایی در تأثیرگذاری بر روندهای بین‌المللی برخوردار است

و می‌تواند به عنوان یک قدرت بزرگ به ایفای نقش جهانی بپردازد؛ و در راستای این ماهیت کشور فرانسه و اتحادیه اروپایی هست که تحریم و فشار اقتصادی را در دستور کار خود برای تحت فشار قراردادن جمهوری اسلامی و تن دادن به خواسته‌های خود انجام می‌دهد و توانست در این راه ایالات متحده که بیشتر طرفدار حمله علیه تأسیسات هسته‌ای ایران بود را با خود همراه کند؛ و از طریق برنامه هسته‌ای ایران بود که ایالات متحده و اتحادیه اروپا که بعد از جنگ عراق دچار جدایی شده بودند، با هم همراه شدند. فرانسه تأکید فراوان دارد که جمهوری اسلامی ایران باید با معیارها و هنجارهای پذیرفته شده در سطح بین‌المللی مطابقت نماید و این امر دقیقاً همان عبارت کلیدی در نظریه سازه‌نگاری است که یک دولت در تعاملات بین‌المللی هیچگاه نمی‌تواند به صورت فردی هویت و منابع خود را تثبیت یا تعریف نماید و هویت در قالب جمعی معنا و مفهوم می‌یابد؛ اما به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی ایران یک استثناست که در این قالب نمی‌گنجد. پس با توجه به اینکه فرانسه و ایران در دو حوزه ارزشی، فرهنگی و تمدنی متفاوت لیبرالیسم و ایرانی-اسلامی قرار دارند، فاقد یک رابطه استراتژیک هستند؛ بنابراین زمانی که جمهوری اسلامی ایران از گفتمان اسلامی و انقلابی خود اندکی عدول کند این امر باعث گسترش روابط میان ایران و فرانسه می‌شود و در غیر این صورت اگر طرفین بر مبانی فکری خود استوار بایستند روابط طرفین کاهش می‌یابد (Sajjadpour, 2009: 49).

۲-۵. یافته‌های میدانی

نتایج یافته‌های میدانی این پژوهش از طریق پرسشنامه بدست آمده است. نمونه آماری این پژوهش، ۱۰۰ نفر از اساتید رشته جغرافیای سیاسی، اساتید رشته روابط بین‌الملل، اساتید رشته علوم سیاسی، متخصصین در حوزه روابط ایران و فرانسه و دانشجویان دکتری در حوزه‌های یاد شده است. پرسشنامه این پژوهش، محقق ساخته بوده و از دو بخش اطلاعات عمومی و گویه‌ها تشکیل شده است. در این راستا برای سنجش گویه‌های پرسشنامه با توجه به فرضیه‌ها و اهداف تحقیق، با استفاده از منابع موجود و نظرخواهی از افراد متخصص، از طیف لیکرت استفاده شده است. این پرسشنامه از ۳۶ گویه بسته برای بررسی چالش‌های ژئوپلیتیکی روابط ایران و فرانسه در سه سطح چالش‌های ملی با ۱۳ گویه از پرسشنامه، چالش‌های منطقه‌ای با ۱۱ گویه از

پرسشنامه و چالش‌های جهانی ۱۲ گویه از پرسشنامه، تشکیل شده است. برای رتبه‌بندی نهایی گویه‌ها و تعیین میزان بیش‌ترین مقدار به دست آمده از روش تاپسیس استفاده شد. روش تاپسیس تکنیک تاپسیس یا اولویت‌بندی بر اساس شباهت به راه حل ایده‌آل از روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره است، که نخستین بار بوسیله ونگ و یون در سال ۱۹۸۱ معرفی شد، یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه است که به رتبه‌بندی نهایی گویه‌ها می‌پردازد. فرآیند تاپسیس شامل مراحل زیر است:

شکل (۳): مراحل انجام روش تاپسیس



در این پژوهش به جهت رتبه‌بندی چالش‌های روابط ژئوپلیتیکی ایران و فرانسه در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی از روش تاپسیس استفاده شده که در ادامه نتایج نهایی هر کدام از سه سطح یاد شده تشریح شده است.

۱-۲-۵. نتایج در سطح چالش‌های ملی

در بخش چالش‌های ایران و فرانسه در سطح ملی، ۱۳ گویه طراحی شده بود که نتایج کلی به دست آمده در این بخش، در جدول زیر ترسیم شده است.

جدول (۲): رتبه‌بندی نهایی گزینه‌ها بر اساس ضریب نزدیکی

رتبه نهایی	چالش‌ها در سطح ملی
9/00	حضور گروه منافقین (مجاهدین خلق) در فرانسه
8/00	ایدئولوژی سیاسی متفاوت دو کشور
7/00	نبود شفافیت و صراحت در نوع رویکرد ژئوپلیتیکی ایران با فرانسه
6/00	بدبینی طیف‌های سیاسی مختلف دو کشور نسبت به هم
5/00	ابهام و کژتابی در سیاست‌ها و رویکردهای فرانسه
5/00	ناهمگنی و فقدان صورت‌بندی‌های تحلیلی در گفتمان روابط ایران و فرانسه
3/00	نبود راهبرد مشخص در دستگاه تصمیم‌گیری دو کشور در قبال یکدیگر
3/00	تحریم نفتی ایران توسط فرانسه
2/00	عدم تجانس زیر ساخت سیاسی در دو کشور
2/00	تناقض در سیاست‌های اعلامی و اعمالی ایران و فرانسه
2/00	نبود پیوند اقتصادی قوی بین دو کشور
1/00	وجود جریان‌ات فکری متضاد در روابط دو کشور و ایجاد بدبینی نسبت به هم
1/00	وجود گروه‌های فشار داخلی در دو کشور که مخالف روابط دو کشور هستند.

بر اساس خروجی مدل تاپسیس^۱ چالش‌های ملی ایران و فرانسه به ترتیب اولویت در جدول فوق ترسیم شده است. گویه «حضور گروه منافقین (مجاهدین خلق) در فرانسه» بیشترین متغیر و تأثیرگذار در چالش‌های روابط ایران و فرانسه در سطح ملی می‌باشد. گویه‌های «ایدئولوژی سیاسی متفاوت دو کشور» و «نبود شفافیت و صراحت در نوع رویکرد ژئوپلیتیکی ایران با فرانسه» نیز در رتبه‌های بعدی قرار دارد. بقیه موارد نیز به ترتیب تأثیرگذاری در جدول مشاهده می‌شود.

۱ این مقاله برگرفته از پایان نامه ای با همین عنوان در دانشگاه تربیت مدرس می باشد و کلیه مراحل یافته های تحقیق در پایان نامه ذکر شده و در مقاله به علت محدودیت تنها نتایج نهایی ذکر شده است.

۲-۲-۵. نتایج در سطح چالش‌های منطقه‌ای

جدول (۳): رتبه بندی نهایی گویه‌ها بر اساس ضریب نزدیکی

رتبه نهایی	چالش‌ها در سطح منطقه‌ای
9/00	وجود سیاست خارجی تعارضی ایران و عدم تمایل به همگرایی و تعامل در سطوح منطقه‌ای
8/00	تحولات رقابت‌های ژئوپلیتیکی منطقه جنوب غرب آسیا
8/00	سیاست خاورمیانه‌ای دو کشور ایران و فرانسه (مسائل لبنان، سوریه، داعش و...)
8/00	رویکرد ناسیونالیسم ایرانی و انترناسیونالیسم اسلامی در سیاست‌های منطقه‌ای ایران
5/00	حجم زیاد ذخایر نفتی و گازی و ثروت ناشی از آن در منطقه خاورمیانه
3/00	نگاه استعماری فرانسه به خاورمیانه و عدم پذیرش تحولات جدید منطقه
3/00	مسأله فلسطین و سیاست‌های اسرائیل
2/00	بازار مناسب صادرات کالاهای جهانی در منطقه خاورمیانه
2/00	روابط تعاملی فرانسه با رقبای ایران مانند عربستان در منطقه خاورمیانه
2/00	نگاه منفعلانه فرانسه در برابر بی‌ثباتی شدید در منطقه خاورمیانه
2/00	مداخله ایران و فرانسه در حوزه نفوذ یکدیگر و تضاد منافع منطقه‌ای

بر اساس خروجی مدل تاپسیس چالش‌های منطقه‌ای ایران و فرانسه به ترتیب اولویت در جدول فوق ترسیم شده است. گویه «وجود سیاست خارجی تعارضی ایران و عدم تمایل به همگرایی و تعامل در سطوح منطقه‌ای» بیشترین مقدار و به عبارتی مهم‌ترین چالش منطقه‌ای در روابط ژئوپلیتیکی ایران و فرانسه می‌باشد. «تحولات رقابت‌های ژئوپلیتیکی منطقه جنوب غرب آسیا» نیز در رتبه بعدی قرار دارد. رتبه گویه‌های دیگر هم در جدول مشاهده می‌شود که تا چه حد در چالش‌های منطقه‌ای ایران و فرانسه تأثیرگذار می‌باشند.

۳-۲-۵. نتایج در سطح چالش‌های جهانی

جدول (۴): رتبه‌بندی نهایی گویه‌ها بر اساس ضریب نزدیکی

رتبه نهایی	چالش‌ها در سطح جهانی
9/00	مبارزه ایران با تروریسم و افراط‌گرایی
7/00	تعلق ژئوپلیتیکی هر کشور به ساختارهای امنیتی متفاوت (فرانسه به ناتو، ایران به شرق)
4/00	مسئله برجام و توافق هسته‌ای ایران
4/00	امت محوری و فرامرزی بودن سیاست‌های ایران
4/00	توانمندی‌های ژئوپلیتیکی ایران و افزایش وزن سیاسی در صحنه بازی‌های سیاسی
3/00	مختصات ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منحصر به فرد ایران
3/00	ساختار هژمونیک نظام بین‌الملل و کوشش‌های فرانسه و کشورهای متحد با آن برای اعمال سلطه بر جهان
2/00	تعهدات بین‌المللی دو کشور به پیمان‌ها، سازمان‌ها و اتحادیه‌های جهانی و منطقه‌ای
1/00	سیاست‌های قهرآمیز ایالات متحده آمریکا در قبال ایران
1/00	سیاست موشکی ایران
1/00	مسئله حقوق بشر
1/00	عدم تمایل فرانسه به دخالت در حوزه نفوذ قدرت‌های جهانی (آمریکا و روسیه)

بر اساس خروجی مدل تاپسیس چالش‌های جهانی ایران و فرانسه به ترتیب اولویت در جدول فوق ترسیم شده است. گویه مبارزه ایران با تروریسم و افراط‌گرایی و بعد از آن گویه تعلق ژئوپلیتیکی هر کشور به ساختارهای امنیتی متفاوت بیشترین اثرگذاری را در سطح چالش‌های جهانی را دارد و مسائل سیاسی مانند مسئله حقوق بشر و عدم تمایل فرانسه به دخالت در حوزه نفوذ قدرتهای جهانی مانند آمریکا و روسیه کمترین رتبه را در اثر گذاری کسب کرده است. رتبه‌های گویه‌های دیگر نیز در جدول فوق ترسیم شده است.

۶. تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی روابط ایران و فرانسه فراز و نشیب‌های بسیاری را طی کرده و به واسطه تحولات ملی، منطقه‌ای و جهانی، ظهور متغیرهای جدید و تحولات منطقه خاورمیانه و همچنین فضای داخل ایران کمتر پیش آمده که روابط مذکور دارای ثبات و روندی رو به

گسترش در یک بازه زمانی درازمدت باشد. بعد از پیروزی انقلاب به دلیل جهت‌گیری‌های سیاست خارجی دو کشور روابط دوجانبه رو به تیرگی نهاد و در جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، فرانسه همگام با محدودیت‌ها و فشارهای سیستمی علیه ایران عمل نمود. متعاقب پایان جنگ ایران و عراق و جنگ دوم خلیج فارس و به ویژه پس از فضای نظام بین‌المللی ناشی از جنگ سرد و فروپاشی شوروی، فرانسه تلاش نمود تا با استفاده از سیاست مستقل و ضدآمریکایی ایران موقعیت خود را در منطقه تقویت نماید و این امر فرصت مناسبی را در این مقطع برای ارتقای روابط دوجانبه ایجاد نمود. هر چند در دوره‌های مختلف همواره فرانسه اعلام می‌کرد که از سیاست‌های ایران و تعاملات با ایران و همکاری‌های اقتصادی و تجاری حمایت می‌کند ولی جانب احتیاط را در نظر داشته است. از آنجایی که مشارکت، همکاری و تشریک مساعی بین دو کشور، مستلزم وجود نظام‌های سیاسی تقریباً همسان و اهداف سیاسی غیرمتعارض و غیرمتضاد و همگون می‌باشد، لذا وجود ساختارهای سیاسی متفاوت با اهداف متعارض بین ایران و فرانسه، یکی از مهم‌ترین موانع در راه پیگیری و پیشبرد مطلق سیاست مشارکت‌جویانه تعامل‌زا می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران و فرانسه به علت قرار گرفتن در دو حوزه ارزشی، فرهنگی و تمدنی متفاوت، با برخی مشکلات در توسعه روابط در حوزه‌های راهبردی مواجه هستند، اما جایگاه فرانسه در نظام بین‌الملل و همچنین نقش و جایگاه منطقه‌ای و راهبردی جمهوری اسلامی ایران، ضرورت‌های متقابلی برای برقراری یک رابطه مناسب و همه‌جانبه ایجاد کرده است. فرانسه با انگیزه‌های مختلف نظیر توسعه روابط اقتصادی و انرژی و افزایش حجم سرمایه‌گذاری اقتصادی در ایران، توسعه نفوذ در خاورمیانه از طریق جمهوری اسلامی ایران، اثرگذاری بر روند صلح خاورمیانه با استفاده از نفوذ سیاسی و معنوی جمهوری اسلامی ایران بر گروه‌های فلسطینی، مقابله و مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی، جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و ایجاد نظام چندجانبه‌گرایی به جای یکجانبه‌گرایی آمریکا در منطقه خاورمیانه و نظام بین‌الملل و هم‌زمان با آن ایفای نقش یک قدرت بین‌المللی اثرگذار در کنار ایالات متحده بویژه در پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران تلاش داشته است تا روابط سیاسی خود را با تهران گسترش دهد. در مقابل جمهوری اسلامی ایران نیز در راستای بهره‌گیری از نفوذ اقتصادی فرانسه در اقتصاد

و تجارت بین‌الملل، استفاده از قدرت سیاسی و بین‌المللی اتحادیه اروپایی در حل بحران‌های بین‌المللی، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی اروپا با توجه به نیازهای کشور، استفاده از تکنولوژی‌های جدید و دانش نوین فرانسه در مسایل گوناگون، بهره‌گیری از قدرت سیاسی اقتصادی فرانسه در مقابل همواره تلاش نموده است که روابط خویش با این کشور را گسترش دهد. با همه این تفاسیر روابط جمهوری اسلامی ایران و فرانسه در گذر زمان تحت تأثیر مؤلفه‌های متفاوتی قرار گرفته و روابط دو طرف فراز و نشیب زیادی را تجربه کرده است که مهم‌ترین دلیل چنین وضعیتی خروج ایران از اردوگاه غرب و ضدیت با سیاست‌های هژمونیک ایالات متحده در جهان و جهت‌گیری‌های جمهوری اسلامی در قبال اسرائیل بوده است.

فعالیت‌های هسته‌ای ایران و مباحث حقوق بشری نیز به عنوان متغیرهای جدید، بیش از پیش بر روابط دو طرف تأثیر گذاشته و محدودیت‌های بسیاری را در راه توسعه و ارتقاء مناسبات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی ایجاد کرده است. با این حال، همان‌طور که مورد اشاره قرار گرفت، اهمیت ژئوپلیتیک ایران در کنار توانایی‌ها و ظرفیت‌های بسیار آن در ایجاد ثبات و امنیت منطقه‌ای، امنیت انرژی، مبارزه با تروریسم، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و بهبود و ارتقاء اقتصاد جهانی سبب شده روابط با ایران همواره جایگاه و اهمیتی حیاتی برای فرانسه داشته باشد.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که چالش‌های روابط ایران و فرانسه در سه سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی بوده و هر کدام در محورهای مختلفی می‌باشند. بیشترین چالش‌های سطح ملی در حوزه سیاست‌گذاری و مواردی از قبیل «نبود راهبرد مشخص در دستگاه تصمیم‌گیری دو کشور در قبال یکدیگر» به دلیل ایدئولوژی سیاسی متفاوت و نوع ساختارهای حکومت‌های مختلف دو کشور می‌باشد. چالش دیگر در حوزه تعاملات اقتصادی و ژئواکونومیک مانند «نبود پیوند اقتصادی قوی بین دو کشور» و اجرای سیاست‌های و عدم همگرایی بین اجرای سیاست‌ها در عرصه عمل و اعلام آنها در عرصه دیپلماسی و گفتگوها مانند «تناقض در سیاست‌های اعلامی و اعمالی ایران و فرانسه» به دلیل ناهمگنی و فقدان صورت‌بندی‌های تحلیلی در گفتمان روابط ایران و فرانسه و نبود شفافیت و صراحت در نوع رویکرد ژئوپلیتیکی ایران با فرانسه می‌باشد.

بیشترین چالش‌های سطح منطقه‌ای در حوزه سیاست‌های منطقه‌ای و حضور فرانسه در منطقه خاورمیانه و «سیاست خاورمیانه‌ای دو کشور ایران و فرانسه (مسائل لبنان، سوریه، داعش و...)» و اختلاف نظرهای ایران و فرانسه درباره مدیریت و نحوه برخورد با این گونه مسائل است. مسأله دیگری هم که باعث ایجاد چالش شده است «وجود سیاست خارجی تعارضی ایران و عدم تمایل به همگرایی و تعامل در سطوح منطقه‌ای» می‌باشد. جمهوری اسلامی دریافته است که کشورهای غربی مورد اعتماد نیستند و کشورهای خاورمیانه مانند عربستان و حوزه خلیج فارس نیز به دلیل اینکه اختلاف نظرهای اساسی با ایران در خصوص روابط بین این کشورها و بین کشورهای غربی دارند باعث گردیده تا ایران نسبت به تعامل منطقه‌ای بدبین باشد و همگرایی در این منطقه شکل نگیرد. این مسائل همگی تحت تأثیر «تحولات رقابت‌های ژئوپلیتیکی منطقه جنوب غرب آسیا» بین کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که هر کدام به نوعی بدنال گسترش حوزه نفوذ خود در این منطقه حساس می‌باشند که دیدگاه‌های مختلف و اختلاف سیاست‌های بنیادین این کشورها با یکدیگر مسائل و مشکلات را در این منطقه پیچیده کرده است.

بیشترین چالش‌های سطح جهانی ایران و فرانسه تحت تأثیر روابط ایران و آمریکا قرار گرفته است. نتایج نشان داد که «سیاست‌های قهرآمیز ایالات متحده آمریکا در قبال ایران» باعث گردیده تا روابط ایران و فرانسه دچار مشکلات و چالش‌هایی در حوزه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی شود. تحریم‌های آمریکا و سیاست‌های جهانی این کشور در قبال ایران باعث گردیده تا فرانسه سیاست‌های منفعلی اتخاذ کند و نتواند سیاست مستقلی را با ایران دنبال نماید؛ این عدم استقلال و متأثر بودن از سیاست‌های آمریکا باعث شده «تعهدات بین‌المللی دو کشور به پیمان‌ها، سازمان‌ها و اتحادیه‌های جهانی و منطقه‌ای» تحت تأثیر قرار بگیرد و با خروج یک کشور از معاهدات و پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی عملاً این پیمان‌ها کارآیی خود را از دست بدهد که نمونه بارز آن «مسأله برجام و توافق هسته‌ای ایران» بود که یافته‌های پژوهش نشان داد که از مهم‌ترین چالش‌های ایران و فرانسه می‌باشد.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که از سه سطح تحلیل انجام شده (ملی، منطقه ای و جهانی)، سطح جهانی از تاثیرگذاری بیشتری برخوردار است. سطح جهانی به علت وجود بازیگران متعدد، متغیرهای کلان جهانی و کشورهای زیاد دخیل در روابط ایران و فرانسه بیشترین چالش‌ها را در روابط ایران و فرانسه ایجاد کرده است که سطوح دیگر را نیز تحت تأثیر قرار داده است. به عبارت دیگر حل چالش‌های جهانی در روابط ایران و فرانسه نیازمند همکاری سایر کشورها در بهبود روابط ایران و فرانسه در سطح جهانی می‌باشد.

جمهوری فرانسه یکی از قدرت‌های جهانی است که در تاریخ روابط بین‌الملل از شهرت بسزایی برخوردار است. این کشور روابط زیادی را در سه سده اخیر با ایران داشته است و این روابط در طول دوره‌های تاریخی دچار فراز و نشیب‌هایی گشته است. وجود قدرت و سطح روابط گسترده این کشور باعث شده تا فرانسه در عرصه بین‌المللی اقتدار داشته باشد و بر مبنای این روابط دیرینه و گسترده، فرانسویان تلاش دارند تا کماکان موفقیت و برتری نسبی خویش را در عرصه روابط بین‌الملل حفظ کند. بر همین مبنا سیاست خارجی فرانسه بر اساس گسترش روابط اعم از فرهنگی - سیاسی و اقتصادی با دیگر کشورهای جهان مبتنی است. این مسأله خود موجب یک استقلال نسبی در سیاست خارجی این کشور می‌گردد، تا به این طریق عرصه گسترده تری برای بازیگری معادلات جهانی بیابد؛ اما در بعضی از موضوعات این کشور تابع سیاست نظام بین‌الملل و بویژه سیاست‌های کشور ایالات متحده آمریکا می‌باشد که با توجه به روابط خصمانه ایران و آمریکا، چالش‌هایی را بین ایران و فرانسه ایجاد کرده است و روابط ایران و فرانسه را تحت تأثیر خود قرار داده است که از آنها می‌توان به مسأله برجام اشاره کرد.

فرانسه نقش عمده‌ای در سیاست‌گذاری‌های اتحادیه اروپایی دارد و در کنار دولت‌های آلمان و انگلیس از تصمیم‌گیرندگان اصلی به حساب می‌آید. پاریس پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی نظام دو قطبی، به دنبال افزایش نفوذ خود در مناطق مهم از جمله خاورمیانه بوده و به لحاظ نیاز اساسی به منابع انرژی دولت مردان فرانسوی تلاش داشتند روابط خود را با دولت‌های منطقه خاورمیانه به سطح قابل قبولی نزدیک کنند. فرانسه اهمیت زیادی برای منطقه خاورمیانه قائل می‌باشد. از آن جا که بخش قابل توجهی از نفت مورد نیاز این کشور از خاورمیانه تأمین می‌شود،

لذا سیاست‌های کلی فرانسه در راستای نفوذ بر این منطقه وجود داشته است. ژاک شیراک از این منطقه و به ویژه زیر منطقه حوزه خلیج فارس به عنوان کانون مهم انرژی جهان یاد کرده است. ایران نیز به دلیل واقع شدن در منطقه خاورمیانه و همجواری با اروپا سهمی قابل توجه از نفت مورد نیاز آن کشور از منابع نفتی ایران تأمین می‌شود و شرکت‌های مهم نفتی فرانسه سرمایه‌گذاری‌های عمده‌ای در صنایع نفت و گاز و پتروشیمی ایران انجام داده‌اند و این مسأله همان طور هم که قبلاً نیز اشاره شده زمانی اتفاق افتاده که ایران در تحت تحریم آمریکا قرار نداشته است و با فشار آمریکا و سیاست‌های اعمالی این کشور در قبال ایران، روابط ایران و فرانسه نیز دچار چالش گردید. اما فرانسه در خاورمیانه چند عامل اساسی را مورد توجه قرار می‌دهد: تضمین عرضه انرژی - جست و جوی بازار - نفوذ فرهنگی - حفظ و ارتقای جایگاه فرانسه در منطقه - بهبود وجهه فرانسه نزد مسلمانان خاورمیانه. این مسائل نیز به نوعی روابط با ایران را دچار فراز و فرودهایی کرده است که برای بهبود روابط دو کشور، باید چالش‌های مطرح شده در این پژوهش حل شوند.

۷. قدرتدانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس، بابت همکاری در انجام این پژوهش و هیأت تحریریه فصلنامه ژئوپلیتیک بابت انتشار آن، کمال تشکر را داشته باشند.

References

1. Ahmadi Nohdani, S (2019). Geopolitical view of French geographers and thinkers on Iran, *Geopolitics Quarterly*, Volume 15, Number 55, Autumn Volume, pp. 221-270. **[In Persian]**
2. Ahmadi Nohdani, S (2018). "Geopolitical issues concerning the bilateral relations between Iran and France", a speech delivered at the meeting of the Iran-France Geopolitical Dialogue Group, Tehran, Tarbiat Modares University. **[In Persian]**
3. Ahmadi, S.A; Badiee, M; Heidari Mosello, T (2017). "The Theoretical Explanation of the Nature of the Geopolitical Regions in Competition of the Powers". *Geopolitics Quarterly*. Vol 13. Issue 47. PP 55-78. **[In Persian]**
4. Ahmadi, S.Abbas; et al. (2018). A Theoretical Explanation of the Formations of the Formation of Geopolitical Competitions, *Research Human Geography*, Volume 50. **[In Persian]**
5. Aqil, H (2016). Investigating Geopolitical Factors Affecting the Formation of Radical Forces in Southwest Asia (Case Study: ISIL Group), Birjand University Master Thesis. **[In Persian]**
6. Azghandi, A.R (2009). Foreign Policy of the Islamic Republic, Tehran, Qoms Publications.
7. Barzegar, K (2015). Iran and Strategic Stability in West Asia, Azar. **[In Persian]**
8. Bayat, H.R; Ahmadi, A; Zaki, Y; Etaat, J (2020). Explaining the Pattern of Regional Power Relations in the Syrian Geopolitical Crisis, *Geopolitics Quarterly*, Year 16, Issue 1, Spring, pp. 74 – 37. **[In Persian]**
9. Buzan, B; Waver, O. (2003). *Regions and Powers. The Structure of International Security*, Cambridge: Cambridge University Press.
10. Collins. J.M (1998). *Military Geography : For Professionals and the Public*. **[In Persian]**
11. Conrad ,J (1995). Environmental Considerations in Army Operational Doctrine ,a White Paper.Fort Leonard Wood: U.S. Army Engineer School.
12. Darabi, A (2009); For Consciousness and Sustainability, *Zamaneh Quarterly*, No. 78. **[In Persian]**
13. Dehshiri, M.R (2001). Challenges of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, *Journal of the Thought of the Islamic Revolution*, (0) 1, pp. 74-55. **[In Persian]**
14. Eyre, J.D (1968). Japanese- Soviet territorial Issues in the Southern Kurile Islands. *Prof ,Geography*. No:20. Pp:11-15
15. Fazelinia, N (2007). Causes of Western Concern over the Islamic Revolution (with Emphasis on the Shiite Geopolitical Element), *Quarterly Journal of Political Science*, No. 36. **[In Persian]**

16. Flint, C. (2006). Introduction to Geopolitics, First published. London and New York: Routledge.
17. Gallaher ,C; others (2009). Key Concepts in Political Geography.London and California: Sage Publication Ltd.
18. Hafeznia, M. R; Shams Dolatabadi, M; Hossein Afshardi, M (2007). Iran's Geopolitical Interests in Central Asia and Opportunities Ahead, Geopolitics Quarterly, No. 3, 9. **[In Persian]**
19. Hafeznia, M.R (2017). Principles and Concepts of Geopolitics, Amirkabir Research Institute (Papli Publications), Mashhad. **[In Persian]**
20. Hatami, M. R (2011). Developments and Structure of the Middle East Region, Foreign Relations Quarterly, Year 3, Issue Four, Winter. **[In Persian]**
21. Izadi, P (2016). "French Foreign Policy Towards the Middle East and North Africa", Foreign Relations Quarterly, Year 8, Issue 4, pp. 186-157. **[In Persian]**
22. Mohammadi, M (2009). The Clash of Civilizations or the Clash of Dominance (New Paradigm in International Relations), Journal of Islamic Government, No. 48. **[In Persian]**
23. Mojtahedzadeh, P (2016). Political Geography and Geographical Politics, Samat Publications. **[In Persian]**
24. Muir,R (1975). Modern political Geography.london. the macmilan press Ltd
25. Noer ,J (1996). Maritime Interests in Southeast Asia. Washington ,DC: National Defense. University Press.
26. Prescott, J.R.V (1978). The Geography of frontiers and boundaries. New Jersey. Pub: Taylor & Francis
27. Rasoolinejad, E (2011). Intersubjective Foundations of the Identity of the Islamic Republic of Iran ,Iran, Tehran: Research Institute for Strategic Studies. **[In Persian]**
28. Sajjadpour, M. K (2009). Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran, Office of Political Studies, Ministry of Foreign Affairs, No. 21, Spring. **[In Persian]**
29. Seyednejad, S.B (2009). Analytical and Comparative Study of the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran with the Theory of Constructivism, Journal of Political Science, No. 49, Spring. **[In Persian]**
30. Taylor, P. J (1989). Political Geography: World Economy, Nation-State, and Locality, Longman Scintfic & Technical, U. K. London.
31. Valencia ,M (1995). China and the South China Sea Disputes ,Adelphi Paper 298 .London:International Institute for Strategic Studies.
32. Valigolizadeh, A (2016). Explaining the effective factors in the formation of different behavioral patterns in the Nagorno-Karabakh crisis, Geopolitics

- Quarterly of the Twelfth Autumn, No. 3, 43. **[In Persian]**
33. Yazdan Fam, M (2014). Scientific Conference of Extremist Currents in the Islamic World, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute, Tehran. **[In Persian]**
34. Zibakalam, Sadegh (2012) Western Opposition to Iran's Nuclear Case, Journal of Political Science, No. 48, Spring. **[In Persian]**
35. Zumrodbakhsh Azad, Sh (2013). "The Mediterranean Union, the Eastern French Dream: Goals and Obstacles", International Relations Studies, No. 26, pp. 90-74. **[In Persian]**